



خزینه...

بعد از بسته شدن خزینه ها اعتراض برخی علما و روحانیون بخصوص روحانیت خراسان بلند شد. آنها حزبی به نام حزب خزینه تاسیس کردند و فریاد وا اعلام سر دادند و استفاده از دوش به جای خزینه را از مظاهر غربگرایی و اعلام کردند.

ترتیبی انجام داد و احکام و مسائل آن را مطرح نمودند.

اما روایت و جنگ علیه دوش و جنبش خزینه نه اول ماجرا بود و نه آخر ماجرا. علما از مدرسه رفتن دختران و تاسیس مدرسه مدرن گرفته تا تاسیس رادیو و تلویزیون و تربیون به جای منبر و اصولا هر ابزاری که نیاز بشر امروز و نشانه پیشرفت بود دخالت میکردند و از قرآن و دین مایه می گذاشتند و آنرا خلاف شرع و خلاف احکام الهی اعلام میکردند و بقیه را غریزه و طاغوتی اعلام میفرمودند. جنگی که تا امروز به دیش ما هواره و اینترنت ادامه یافته و هنوز آتش بس اعلام نشده است.

در نهایت یک سوال اساسی باقی بود! اگر رضا شاه نبود هنوز خزینه

دیده نشود و پس از ادرار، آب از خزینه سر زیر شود.

بنابراین موضوع خزینه تبدیل شد به یکی از کشاکش های بین برخی روحانیون و افرادی که میل به مدرن شدن جامعه داشتند و جنگی بر علیه دوش حمام آغاز شد. جنبش خزینه و مخالفت های پیرامون آن شکل گرفت و برخی مومنین و متدینین هم تا سالها پنهانی از خزینه استفاده میکردند و نقشه میریختند که چه گونه نیمه شبها و به دور از چشم پاسبانها و با چرب کردن سبیل حمامی خود را به خزینه برسانند. تا کم کم به زور باطوم و دگنگ رضا شاه و به مرور زمان مردم به محاسن دوش پی بردند. بعضی علما هم بالاخره فتوا دادند که دوش در حمام عیبی ندارد به شرط آنکه بعد از آن در خزینه غسل کنند. بعدها فعالان جنبش خزینه فتوا دادند که میشود زیر دوش بجای غسل ارتماسی، غسل

اعتراض برخی علما و روحانیون بخصوص روحانیت خراسان بلند شد. آنها حزبی به نام حزب خزینه تاسیس کردند و فریاد واسلام سر دادند و استفاده از دوش به جای خزینه را از مظاهر غربگرایی و اعلام کردند. این علما معظم تنها آب خزینه را پاک و به اصطلاح کر میدانستند و هر چه غیر از آنرا ناپاک و نجس اعلام کردند. آیات عظام فتوا دادند که منع خزینه غیرشرعی است و با آبی که از شیر آب میریزد نمیتوان غسل کرد. بنا براین ممنوع کردن خزینه عمل خلاف شرع رضا شاه اعلام شد. آنها آب گر را آبی میدانستند که در سه و نیم وجب در سه و نیم وجب در سه و نیم وجب باشد. هر چند که دریاچه اندازه وجب توضیح ندادند. در چنین آبی میتوان وضو گرفت و غسل کرد ولو در آن حیوانی یا انسانی ادرار کرده باشد. به شرط آنکه عین نجاست در آن

خزینه حوضچه ای در حمام بود که مردم خودشان را در آن می شستند و آب می کشیدند و غسل می کردند. البته آب خزینه ها معمولا کثیف بود و به راحتی میتوان تصور کرد چنین حوضچه ای منبع پخش انواع و اقسام میکروب ها و شیوع بیماری ها به همه شهر بود. بخصوص انواع بیماری های پوستی مانند تراخم و کچلی و بیماری های قارچی و آبله که در شهر ها بیداد میکرد. معمولا حمامی ها بین دو نوبت مردانه و زنانه هم چوب درخت زالزالک را در خزینه میگرداندند و مو و چرک و کف صابون را جمع میکردند و مقداری آهک هم درون آن می ریختند بلکه از آلودگی آن کمی کاسته شود. تا اینکه به فرمان رضا شاه رسما استفاده از خزینه در حمامها ممنوع اعلام شد. اما داستان به اینجا پایان نیافت. بعد از بسته شدن خزینه ها